

جرائم شرکتی از دیدگاه جرم شناختی

فرید محسنی¹

(تاریخ دریافت: 1390/10/10 - تاریخ تصویب: 1390/12/10)

چکیده:

جرم شرکتی، اصطلاحی بسیار فراگیر، کلی و در بردارنده گستره ای وسیع از جرائم، با شیوه های ارتکاب، مرتکبین، آثار و قربانیان متفاوت است. اما با وجود این درجه از اهمیت و حساسیت، جرائم مذکور، همواره در حاشیه توجهات جرم شناسانه قرار گرفته و قسمت اعظم مطالعات و نظریات جرم شناختی و کار دادگاه ها به مطالعه و رسیدگی به جرائم خشونت بار یا خیابانی اختصاص یافته است. مبارزه با جرم شرکتی (که از انواع جرائم یقه سفیدی است)، مستلزم شناخت ویژگی ها و زوایای مختلف این نوع خاص از پدیده بزهکاری است که در پرتو مطالعات جرم شناسانه تخصصی در این زمینه، امکان پذیر می گردد. نوشتار حاضر، به طور اختصاری به بررسی مهم ترین ویژگی های جرائم یقه سفیدها و جرائم شرکتی، به عنوان یکی از زیرمجموعه های آن، وجوه مشترک و تمایزات آن ها، تفاوت هایشان با جرائم خیابانی، و نیز بررسی مصادیق جرائم شرکتی در قوانین ایران، از منظری جرم شناسانه اختصاص دارد.

واژگان کلیدی: جرم شرکتی، جرم یقه سفیدی، جرم خیابانی.

مقدمه:

قسمت اعظم مطالعات و نظریات جرم شناختی همواره بر فعالیت های کوچک و بزرگی که کار دادگاه ها را به خود اختصاص داده و اصطلاحاً جرائم خیابانی (Street Crimes) و یا خشونت بار (Violent Crimes) نامیده می شوند، تمرکز یافته اند. مانند سرقت (Theft)، خرابکاری (Vandalism)، حمله و ضرب و شتم (Assault and Battery)، قتل (Murder) و... مواردی مانند اختلاس (Embezzlement)، کلاهبرداری (Fraud)، جرائم بازار بورس (Stock Market Crimes)، تقلب در کسب و کار و... که غالباً توسط اشخاص به ظاهر قابل احترام، حرفه ای و متعلق به طبقات بالای جامعه انجام می شود به ندرت به رسیدگی در دادگاه منجر شده و تعقیب شرکت ها به ویژه شرکت های بزرگ از این هم کمتر اتفاق می افتند. به طور کلی، علت این امر، نادر بودن اینگونه اعمال نیست بلکه شیوه های ارتکاب پیچیده و حرفه ای و معیارهای کنترل متفاوت، از جمله مهم ترین دلایل عدم توجه جرم شناسان و دادگاه ها به این گروه از جرائم است. البته نباید تصور نمود که جرم شناسان اینگونه فعالیت ها را کاملاً به فراموشی سپرده اند. اندیشمندانی که در جستجوی جهت دهی مجدد به جرم شناسی یا حداقل برقراری تعادل میان توجه معطوف به جرائم کلاسیک و نگرانی های ناشی از گستره صدمات و آسیب های فعالیت های شرکتی، و جرائم ارتكابی طبقه تحصیل کرده و بالای جامعه بودند، همواره در این عرصه تلاش کرده اند. اما آنچه که مسلم است تعداد کمی از جرم شناسان به بررسی آنچه که جرم شرکتی و یقه سفیدی نامیده می شود، علاقه مندند و تقریباً تمام متخصصین و صاحب نظران این حوزه، در مورد تحقیقات اندک و آثار کمی که به رشته تحریر درآمده اند، اتفاق نظر دارند (Newburn, Tim, 2007, p. 372).

موضوع نوشتار حاضر، بررسی خصوصیات جرم شناسانه جرائم شرکتی و پاسخ به این سؤال مهم است که چرا جرائم شرکتی، با وجود اهمیت، حساسیت و گستره تبعات منفی، همواره در حاشیه توجهات جرم شناسانه قرار گرفته اند؟ اما قبل از پرداختن به مباحث جرم

شناسانه این حوزه و مسائل مرتبط با آن، نکته ای بسیار مهم، در زمینه واژه شناسی این حوزه، یعنی تفاوت میان جرم یقه سفیدی و جرم شرکتی، نیاز به توضیح دارد. مسلماً تبیین اینگونه نکات ظریف و کلیدی، منجر به روشن شدن مرزهای بحث مورد نظر و سهولت درک و تشخیص مباحث دارای هم پوشانی و پیچیدگی می باشد. بنابراین، ابتدا جرائم یقه سفیدی و شرکتی، به تفکیک و به اختصار مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه، مباحث جرم شناسانه و مصادیق اینگونه جرائم مورد بحث قرار خواهند گرفت.

الف - مفهوم جرم یقه سفیدی:

دو اصطلاح جرم یقه سفیدی (White-Collar Crime) و جرم شرکتی (Corporate Crime)، معمولاً در اکثریت منابع و مباحث، به عنوان مترادف و جایگزین یکدیگر بکار گرفته می شوند. درحالی که با توجه به تعاریف ارائه شده به لحاظ نظری، و مصادیق این جرائم در عمل، این دو، دقیقاً مترادف و هم معنی نمی باشند. به عبارت دیگر، جرم یقه سفیدی، پدیده ای عام و گسترده و دارای زیر مجموعه های متعدد است که یکی از آن ها، جرائم شرکتی بوده و در مواردی دارای هم پوشانی هستند.

بنابراین، جرم یقه سفید، اصطلاحی بسیار فراگیر، کلی و شامل گستره ای وسیع از جرائم، با شیوه های ارتکاب، مرتکبین، آثار و قربانیان متفاوت است که دربردارنده جرائم شرکتی نیز می باشد. به همین دلیل برخی از حقوق دانان، انتخاب عنوان «یقه سفید» را در این رابطه صحیح نمی دانند زیرا نشان دهنده عدم موفقیت در یافتن واژه ای است که در برگیرنده جرائم ارتكابی «در» جریان کسب و کار و «به وسیله» آن است. البته در نحوه تعریف این گروه از جرائم، همواره اختلاف نظر وجود داشته و مجموعه واژگان تخصصی و اصطلاح شناسی آن از طیف وسیعی برخوردار است از جمله جرائم قدرتمندان (Crimes of the Powerful (Pearce 1976)، انحراف سازمانی (Organizational Deviance (Punch 1996))، جرم شغلی (Occupational crime (Quinney 1977))، جرم کسب و کار (Business Crime (Clark 1990))، جرم نخبه گان (Elite Crime (Shapiro 1990))،

سوء استفاده از اعتماد شغلی (Abuse of Occupational Trust (Shapiro 1990)) و... نمونه‌هایی از اصطلاحات مطرح شده برای معرفی این گونه جرائم می‌باشند (Ibid).

به چند دلیل، فعالیت‌های جرم‌شناسانه در زمینه جرائم شرکتی و یقه سفید، با کار ادوین ساترلند (Edwin H. Sutherland (1883-1950)) آغاز شد. اول، این اصطلاح به وسیله او وارد ادبیات و مطالعات جرم‌شناختی گردید و دوم، فعالیت‌های او دارای ماندگارترین اثر بود که انتقادات زیادی به آن وارد شد و از این جهت، منجر به ایجاد معیارهای متفاوتی برای بحث و بررسی در این زمینه گردید (Ibid).

ساترلند، در سخنرانی معروف خود خطاب به موسسه جامعه‌شناسی امریکا در سال 1939 برای اولین بار، و در آثار متعدّدش در دهه پس از آن، ایده «جرم یقه سفیدی» را مطرح ساخت و با این کار، دیدگاه متداول و سنتی تعلق مجرمین به طبقات پایین جامعه را به چالش کشید. اما متون و فعالیت‌های علمی این عرصه، به آثار و پژوهش‌های وی محدود نشد. ساترلند در کتاب و مقالات دانشگاهی خود در سال‌های دهه 1940 در جهت هدایت و جلب توجه جرم‌شناسان، از پیش‌فرض گمراه‌کننده جرائم افراد طبقه پایین جامعه به جرائم ارتكابی افراد قابل احترام، تلاش نمود (Ibid). اما گویی ندای بلند او حداقل تا اواخر سال‌های دهه 1960 و ابتدای دهه 1970 چندان به گوش جرم‌شناسان نرسید (Hale et al, 2009). چراکه جرم‌شناسی سنتی که تا آن زمان، تحت تسلط و نفوذ نگرانی ناشی از جرائم خیابانی مانند سرقت، سوء قصد، ضرب و شتم، ضرر و زیان جزایی و... قرار داشت، منعکس‌کننده ارزش‌های اجتماعی حاکم بود (Newburn, Tim, op. cit.) اما پس از اواخر دهه 1960 و اوایل دهه 1970، به دلیل نگرانی بسیار زیاد دانشگاهیان، سیاستمداران و مردم، از آثار اجتماعی زیان‌بار این دسته فعالیت‌ها، گرایشی دوباره برای توجه به این نوع از جرائم، ایجاد شد (Hale et al. Op. cit.).

البته انگاره‌وی از این نوع جرائم بسیار وسیع و در بردارنده هر نوع عمل «آسیب‌زننده» (Socially Injurious) اجتماعی بود و به دایره تخلفات حقوق جزا محدود نمی‌شد. بدین

ترتیب، ساترلند معتقد بود بسیاری از اعمال، ممکن است در جریان کسب و کار و اعمال شرکتی، معمول تلقی شوند، اما این بدان معنا نیست که اعمال مذکور به لحاظ اجتماعی آسیب زنده نیستند. او استدلال می نمود که جرائم یقه سفیدها، حاصل در تعارض قرار گرفتن «قواعد بازی» (The Rules of the Game) و قواعد حقوقی، در عرصه کسب و کار هستند. به عنوان مثال، تاجری که می خواهد از قانون اطاعت کند، توسط رقبای خود مجبور به پذیرش روش های آنان می شود. این فرآیند در تداوم رشوه خواری علیرغم فعالیت های مصرانه سازمان های تجاری برای از میان برداشتن آن، به خوبی قابل مشاهده است. بنابراین، تعریف ساترلند، از لحاظ جرم، مرتکب و قربانی، گستره ای بسیار وسیع را در برمی گیرد (Newburn, Tim, op. Cit, p. 373).

طبق تعریف وی جرم یقه سفید عبارتست از: «جرمی که یک شخص قابل احترام دارای جایگاه اجتماعی بالا در ارتباط با شغل خود، مرتکب می شود» (Price, Merlyn et al. 2009).

به عبارت دیگر، جرائم یقه سفیدی، جرائم ارتكابی غیرخشن هستند که توسط افراد دارای ظاهر موجه و قابل احترام در جامعه، با انگیزه مالی و اقتصادی و با هدف کسب درآمد غیرقانونی ارتكاب می یابند. این حیطة از بزهکاری، پهنه ای از اعمال زیان آور و غیرقانونی را دربرمی گیرد که تمامی آن ها لزوماً در چارچوب شرکتی و سازمانی قرار ندارند (Newburn, Tim, op. Cit, p. 376).

همانطور که گفته شد، به نظریات ساترلند انتقادات زیادی وارد شد که تقابل این عقاید متفاوت و مباحثات انجام شده در این زمینه منجر به تکامل مفاهیم و موضوعات این حوزه و ارائه معیارهای جدید و جامع تر گشت. به عنوان مثال، در مورد دایره شمول و مصادیق این گونه جرائم، همواره میان جرم شناسان اختلاف نظر وجود داشته است. اما آنچه که امروزه به عنوان یک معیار روشن و واحد مورد توافق همگان قرار گرفته این است که جرائم یقه سفید، در مورد تمام جرائم غیر خشن ارتكابی در مناسبات شغلی یا مبادلات

بازرگانی با هدف کسب منافع اقتصادی، صدق می‌کند. علاوه بر این، از آنجاییکه مرتکبین اینگونه جرائم، افرادی محترم، صاحب نفوذ و موجه نما هستند و اهداف خود را از طریق یک سلسله عملیات پنهانی، پیچیده و یا تخصصی عملی می‌سازند، تعقیب و پیگیری این جرائم دشوار و رسیدگی به آن‌ها اغلب، به نتیجه مورد انتظار نمی‌انجامد (سلیمی، 1387، ص 241).

نکته مهم در این زمینه، تفاوت جرائم یقه سفیدی با «جرائم شرکتی»، به عنوان موضوع بحث حاضر می‌باشد. جرم شرکتی، در جرم شناسی، جرائم ارتكابی توسط یک شرکت (به معنای یک واحد کسب و کار یا تجارت دارای شخصیت حقوقی مستقل متمایز از اشخاص کنترل‌کننده آن) یا افرادی است که از طرف آن واحد یا شرکت، به فعالیت می‌پردازند. این گروه از جرائم، معمولاً از دیدگاه حقوق کیفری، تحت عنوان مسئولیت ناشی از فعل غیر (Vicarious Liability)، مسئولیت کارفرما (Respondent Superior) و مسئولیت شرکتی (Corporate Liability)، مورد بحث و رسیدگی قرار می‌گیرند. البته شیوه‌های جرم‌انگاری و مصادیق این گونه از بزهکاری، در نظام‌های مختلف حقوقی، متفاوت است. به گونه‌ای که برخی فعالیت‌های زیان‌بار و منفی شرکت‌ها ممکن است در برخی کشورها جرم تلقی نگردند. در زمینه جرائم دارای چارچوب شرکتی یا سازمانی، به دلیل وجود امکان ارتكاب جرائمی مانند کلاهبرداری، ارتشاء (Bribery)، طراحی شرکت‌های هرمی (هرم‌های دسیسه) (Pyramid Schemes (Ponzi Schemes))، جرائم کارمندان داخلی و مورد اعتماد شرکت (Insider Trading)، اختلاس، انواع جرائم رایانه‌ای (Computer Crimes)، سرقت شناسه (Identity (ID) Theft)، نقض کپی‌رایت، پول‌شویی، فرار از مالیات، تخلفات ضدتراست (Anti-Trust Violations) و جعل، برای کارمندان و مدیران، هم پوشانی‌های فراوانی با جرائم یقه سفید وجود دارد و ممکن است این دو مقوله کاملاً منطبق بر هم تصور شوند (Rubino, Frank, 2012). اساساً در جرائم یقه سفیدی، که اعم از جرائم شرکتی است، یک فرد، بدون آنکه لزوماً در یک چارچوب

شرکتی و سازمانی قرار داشته باشد، صرفاً با استفاده از جایگاه اجتماعی یا شغلی خود، می تواند مرتکب جرائمی مانند کلاهبرداری، سندسازی، باج خواهی و سایر جرائم غیر فیزیکی و غیر خشنی گردد که لازمه آن ها استفاده از نیروی فکر، مهندسی اجتماعی و مهارت هایی از این دست می باشد. به همین دلیل، برخی از جرم شناسان، با هدف ترسیم مرز دقیق میان جرائم یقه سفیدی و شرکتی با روشی تحلیلی، به ترتیب از دو وصف «شغلی» (حرفه ای) و «سازمانی» استفاده نموده اند. در واقع، شرکت ها و واحدهای کسب و کار و تجارت، از اجتماع افرادی تشکیل شده اند که به نمایندگی از جانب آن ها تصمیم گیری نموده و به فعالیت می پردازند. بنابراین، منافع شرکت، منافع افراد نیز می باشد که ممکن است در راستای پیشبرد اهداف شرکت، منافع خود تحت پوشش آن و دیگر انگیزه ها مرتکب جرائم شرکتی گردند. البته با توجه به وسعت و اهمیت این حوزه از بزهکاری، چشم انداز جرائم شرکتی، انگیزه ها و اهداف ارتکاب آن ها بسیار فراتر از منافع شخصی کارکنان آن می باشد. بنابراین، وجود وصف سازمانی در مورد اعمال ارتكابی، نشان دهنده فرهنگ و عملکرد شرکتی به عنوان مهم ترین عنصر شناخت این دسته از جرائم است (Newburn, Tim, op. cit.).

پس از روشن شدن تمایز میان جرائم یقه سفید و شرکتی، در اینجا لازم است به ارتباط و هم پوشانی های موجود میان جرائم شرکتی با دو گروه دیگر از جرائم نیز اشاره گردد:

1- جرائم سازمان یافته: در تمامی انواع جرائم سازمان یافته، مجرمین قادر به تأسیس شرکت هایی برای پیشبرد اهداف خود یا پول شویی درآمدهای حاصله از جرم هستند و غالباً تحت پوشش شرکت های مختلف به فعالیت های پنهانی خود ادامه می دهند. جرم سازمان یافته به شاخه ای عظیم از تجارت بدل شده و درآمد حاصل از آن، سرمایه غیر قانونی عظیمی را بوجود آورده است. میزان درآمد ناخالص مجرمانه (Gross Criminal Product) این جرائم حدود 20% از کل تجارت جهان تخمین زده شده است. قاچاق مواد مخدر، انسان، فحشاء، اعضاء بدن و... نمونه هایی از این قبیل جرائم

هستند که غالباً فراسوی مرزهای یک کشور و با همکاری چند شرکت با تابعیت‌های مختلف و تحت یک سازمان و تشکیلات پیچیده صورت می‌پذیرد (Ibid).

2- جرائم شرکتی - دولتی (State-Corporate Crime): این گروه از جرائم، در فرآیند مذاکرات و توافق‌های انجام شده میان یک دولت و یک شرکت، در سطح نسبتاً بالاتر از جرائم یقه سفیدی متداول در جوامع مختلف، تحقق می‌یابند. بدین ترتیب، سطوح مدیریتی ارشد یک شرکت، با استفاده از چارچوب شرکتی و رابطه ایجاد شده با دولت، درگیر فعالیت‌های مجرمانه می‌گردند.¹ این گروه از جرائم، به این دلیل دارای هم پوشانی با جرائم شرکتی تلقی می‌گردند که فرصت ارتکاب جرم، به دلیل رابطه میان شرکت و دولت ایجاد می‌شود (Ibid).

پس از بررسی مفهوم جرائم یقه سفید و شرکتی و وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها، در ادامه مهم‌ترین ویژگی‌های جرم شناسانه جرائم شرکتی، به اختصار مورد بحث قرار خواهند گرفت.

ب- مفهوم جرائم شرکتی:

یکی از نکات مهم در زمینه جرم شناسی حقوق کیفری شرکت‌ها یا جرائم شرکتی، تقابل و تفاوت میان مفهوم جرم در دو حوزه جرم شناسی و حقوق کیفری، تحت تأثیر اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها است. می‌دانیم که بر اساس مکاتب گوناگون جرم‌شناختی، جرم، شامل هرگونه کژروی و نقض هنجارهای اساسی حاکم بر جامعه است. در حالیکه حقوق کیفری، با استفاده از اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، فقط اعمالی را که قبلاً توسط قانون مورد جرم‌انگاری قرار گرفته باشد را به لحاظ کیفری، قابل تعقیب تلقی می‌نماید. به عبارت دیگر، جرم، از منظر حقوق کیفری دارای تعریف و مفهومی

1- در سطوح بالا و پیشرفته جرائم ارتكابی این حوزه، با استفاده از امکانات و پوشش شرکتی، از اصطلاح کلاهبرداری کنترل (Control Fraud) استفاده می‌شود.

روشن و خاص می باشد و فقط در صورتی کاربرد دارد که قانونگذار عملی را جرم دانسته و برای مرتکب آن ضمانت اجرای کیفری پیش بینی نموده باشد. بنابراین، با توجه به ساختار، ماهیت و اهداف اینگونه جرائم، مجرمین شرکتی ضمن پرهیز از اعمال خشونت بار و سنگین، در راستای نیل به اهداف مجرمانه خود، با استفاده از چهره و موقعیت اجتماعی موجه شان، به انواع اعمال فریبکارانه و یا غیراخلاقی متوسل می گردند که ممکن است مورد جرم انگاری قرار نگرفته باشند. همین نکته، یکی از دشواری های شناسایی این مجرمین و موانع موجود در تعقیب و دادرسی، محسوب می گردد. به همین دلیل، بیشتر جرم شناسان و جامعه شناسان (همانگونه که در مورد عقاید ساترلند گفته شد) در مقام ارائه تعریف و مصادیق، با هدف پوشش دادن بیشترین انواع جرائم شرکتی، حوزه ای وسیع برای جرائم مذکور ترسیم نموده و مواردی مانند ایجاد انحصار در تجارت، برچسب های خلاف واقع روی مواد غذایی، بکارگیری ناعادلانه نیروی کار و... که هیچکدام مورد جرم انگاری قرار نگرفته و یا عملاً تحت نظارت و تعقیب کیفری قرار نداشتند را نمونه هایی از جرائم شرکتی و یقه سفید محسوب می نمودند (Green, Stuart P., 2005, p. 105).

ج- ویژگی های جرائم شرکتی:

آنچه که گفته شد، حاکی از تفاوت های عملی و نظری بسیار میان جرائم شرکتی و دیگر انواع فعالیت های مجرمانه است. حاصل مقایسه جنبه های مختلف این جرائم با یکدیگر، نکاتی است که به عنوان ویژگی های جرائم شرکتی، تمایز و تشخیص آن ها را از جرائم کلاسیک امکان پذیر می سازند. اهم این نکات عبارتند از:

- 1- این جرائم، عموماً مخفیانه انجام می شوند.
- 2- مرتکبین جرائم شرکتی (مشابه جرم یقه سفیدی)، معمولاً به نحوی قانونی و مشروع در صحنه حضور دارند.
- 3- این جرائم، متضمن سوء استفاده از اعتماد مرتبط با جایگاه شغلی و حرفه ای هستند.

- 4- ارتکاب جرائم مذکور، غالباً متضمن نوعی از دانش کارمندان داخلی و مورد اعتماد شرکت یا سازمان است.
- 5- معمولاً پس از ارتکاب جرم شرکتی، شاکی وجود ندارد و در غیراینصورت، شکایت، با فاصله زمانی طولانی پس از وقوع جرم، طرح می‌گردد.
- 6- به دلیل عدم وجود تهدید فیزیکی و خشونت، جرائم شرکتی، نسبت به جرائم دیگر، کمتر منشاء ایجاد ترس و نگرانی می‌باشند.
- 7- با توجه به ماهیت و ساختار سازمان‌ها و چالش‌های موجود در مباحث مسئولیت کیفری شرکت‌ها، تعیین مسئولیت کیفری و قابلیت انتساب آن، ممکن است بسیار دشوار باشد.
- 8- به طور کلی، جرائم شرکتی (همانند جرائم یقه سفیدی)، وضعیت حقوقی و جزایی مبهمی دارند (Newburn, Tim, op. cit.).

د- ویژگی‌های مجرمین شرکتی:

در بررسی جرائم یقه سفیدی و تمایز آن با جرائم شرکتی، به ویژگی‌های مجرمین شرکتی و لزوم توجه به این نکته نیز اشاره شد که علاوه بر خصوصیات مجرمین یقه سفید، به عنوان افراد ثروتمند، محترم و برخوردار از موقعیت اجتماعی بالا (به عنوان هسته اصلی مباحث مطروحه توسط ساترلند)، مجرمین شرکتی به اتکاء ساختار سازمانی و موقعیت شغلی خود، مرتکب این جرائم می‌شوند. اهمیت عنصر فرهنگ و فعالیت شرکتی، منجر به نوعی تغییر رویکرد در میان جرم‌شناسان این عرصه گردید به نحوی که تلاش نمودند مفهوم جرائم شرکتی را صرف نظر از مرتکبین آن‌ها و با تکیه بر نقش کلیدی فرهنگ سازمانی و موقعیت شغلی، بیان نمایند. بنابراین، به جای تأکید و تمرکز بر وضعیت اجتماعی - اقتصادی مرتکب، تعاریف جدید، «ماهیت اعمال مجرمانه و فرهنگ سازمانی» را مورد توجه قرار دادند. یکی از مصادیق بارز اینگونه تعاریف، تعریف ارائه شده توسط FBI بر مبنای رویکرد جدید است:

«آن دسته از اعمال غیرقانونی که مشخصه آن‌ها فریب، پنهان‌کاری یا سوء استفاده از اعتماد می‌باشد و به استفاده از زور، خشونت یا تهدید به آن متکی نیست. افراد و سازمان‌ها برای بدست آوردن پول، اموال یا خدمات، به منظور اجتناب از پرداخت هزینه‌ها یا از دست دادن پول، با هدف حفظ منافع شخصی یا شغلی، مرتکب این اعمال می‌گردند» (Federal Bureau of Investigation (FBI), 1989, p. 3).

البته بدون تردید، پنهان‌کاری یکی از ویژگی‌های اصلی مجرمین شرکتی است. برای روشن شدن مطلب می‌توان آن را با تروریسم مقایسه نمود. هدف اصلی فعالیت‌های تروریستی، ایجاد رعب و وحشت و جلب توجه جامعه است. حال آنکه مجرمین شرکتی، در پناه محرمانه و مخفیانه نگهداشتن اعمال خود رشد کرده و نه تنها عملکرد غیرقانونی خود را علنی نمی‌سازند بلکه سعی در قانونی و موجه نشان دادن اعمال خود دارند. طبیعتاً چنین عملیاتی در صورتی مخفیانه و سری باقی می‌ماند که توسل به زور و خشونت به حداقل ممکن کاهش یافته و فقط در موارد استثنایی بکار گرفته شود. ماهیت پنهان‌کاری این دسته از مجرمین، به طور ذاتی دربردارنده عناصری مانند فریب، حيله و ظاهرسازی است (Ibid). یکی دیگر از مشخصه‌های مجرمین شرکتی، انگیزه آنان در ارتکاب جرم در مقایسه با جرائم خشونت‌بار و خیابانی است. مجرمین گروه‌آخر، معمولاً به دلیل فقر و نیازهای روزانه مرتکب جرم می‌شوند حال آنکه زیاده‌خواهی و طمع، محرک اصلی مجرمین شرکتی در فرآیند ارتکاب جرم است (Freiberg, Arie, 2000).

هـ- بزه دیدگی در جرم شرکتی:

در تحقیقات انجام شده در مورد جرائم شرکتی، بسیاری از مرتکبین مدعی بودند که اینگونه جرائم بجز سازمان‌ها، قربانی دیگری ندارند و به این ترتیب، در زمره «جرائم بدون بزه دیده» (Victimless Crimes) قرار می‌گیرند. اما واقعیت این است که این دسته از جرائم، دربردارنده آثار منفی وسیع در سطح خرد و کلان می‌باشند. دامنه این عواقب و عوارض، از تأثیر بر سلامت اقتصادی کشورها تا مختل نمودن عملکرد شرکت‌ها و

سازمانها و کارکنان آن‌ها، تنزل ارزش بورس و اوراق قرضه، جرائم مربوط به وام‌های بانکی، تضعیف اطمینان سرمایه‌گذار و از بین رفتن سرمایه‌گذاری شخصی و حتی ورود زیان به کسانی که پس‌انداز و موجودی‌های شخصی‌اندک خود را از دست می‌دهند و... گسترده یافته است (Price, Merlyn, et al. op. cit.). بنابر این ممکن است دامنه اثرگذاری جرم ارتكابی تا سرحد اختلال در نظام اقتصادی کشور پیش رود.

در جرائم خیابانی و خشونت بار، همواره بزه دیده مستقیم، مفرد و مشخصی وجود دارد. عدم وجود این وضعیت در مورد اکثر جرائم شرکتی و وجود نداشتن شخصی معین به عنوان قربانی جرم، باعث ایجاد این شبهه گردیده که این جرائم در گروه جرائم بدون بزه دیده قرار می‌گیرند. درحالی که این امر، به هیچ وجه موید بدون قربانی بودن این جرائم نمی‌باشد. نکته مهم این است که به لحاظ ماهیت و شیوه ارتكاب، برخی انواع جرائم شرکتی، فاقد بزه دیده مشخص و مستقیم هستند ولی اثرات غیر مستقیم و غیر ملموس آن عده زیادی را در بر می‌گیرد.

با توجه به ابهامات و پیچیدگی‌های خاص موضوع بزه دیدگی در این حوزه که در این قسمت به نمونه‌هایی از مصادیق بارز آن اشاره خواهد شد، نکته بسیار مهم و شایان توجه در زمینه بزه دیدگی در جرم شرکتی، آگاهی عموم از ماهیت، چگونگی ارتكاب و تبعات این جرائم است. گفته شد که این گونه از بزه، بر مبنای طرز تفکر سنتی، بجز در موارد استثنایی در بردارنده ضررهای مالی هنگفت، معمولاً منشاء نگرانی و زیان کمتری برای جامعه تلقی شده است. اما این روند، همواره یکسان نبوده و شواهد تجربی حاکی از تغییر در این تفکر و دیدگاه عموم نسبت به بزه دیدگی در جرائم شرکتی است.

اطلاعات و داده‌های تجزیه و تحلیل شده حاصل از مطالعات و نظرسنجی‌ها در این رابطه نشان‌دهنده وجود سه دوره متمایز با گرایش‌های متفاوت، نسبت به جرائم شرکتی و قربانیان آن است:

در اولین دوره، قبل از سال 1970، توجهی به این دسته از جرائم نمی شد. در طی دومین دوره، از 1970 تا 2000، آگاهی فزاینده‌ای نسبت به ماهیت و طبیعت خطرناک این جرائم و در نتیجه گرایش و تمایل به مجازات‌های بیشتر برای این مجرمین، به چشم می خورد. در سومین دوره، از سال 2000 به بعد، مجرمین شرکتهای معروف، جایگاه خود را به عنوان «شهروندان محترم جامعه» از دست داده و به نحوی چشمگیر، به دیده «افراد بدکار» نگریسته می شوند. این دسته از مجرمین در حال حاضر افرادی طماع و آزمند تلقی می گردند که به قربانیان خود اهمیت نمی دهند (Ibid). البته در زمینه آموزش و اطلاع رسانی همگانی هنوز راه درازی در پیش است. اما بازتاب این تغییر، مسلماً می تواند در گرایش هر چه بیشتر مردم به تحمیل مجازات‌های سخت تر و شدیدتر و حتی جدی تر تلقی کردن جرائم شرکتهای از برخی جرائم سنتی و در نهایت پیشگیری از بزه دیدگی در این حوزه، موثر باشد.

بزه دیدگی غیر مستقیم و نامشخص در این زمینه، به اشکال مختلف به وقوع می پیوندد که از بارزترین انواع آن، می توان به فساد مالی، ارتشاء و تخصیص یارانه ها به نحو ناروا اشاره نمود. البته در مورد ارتشاء استثناء وجود دارد. بدین معنی که اگر ارتشاء مانع از روند اجرای عدالت گردد، بزه دیده مستقیم خواهد داشت. به عنوان مثال، در مواردی که قاضی با گرفتن رشوه حکم خلاف عدالت و ناروا بر علیه کسی صادر کند، محکوم علیه، قربانی مستقیم جرم ارتشاء می باشد. یکی از مواردی که به اشتباه، بدون قربانی تلقی می شود، موقعیت‌هایی است که به دلیل عدم عملکرد و انجام وظیفه صحیح و به موقع مأموران دولتی، رشوه به منظور تسریع در جریان کار یا احقاق حق و حصول به موقع نتیجه پرداخت می گردد. در چنین فرضی از آنجا که فرد برای احقاق حق مسلم خود ناگزیر از رشوه دادن، اعم پرداخت پول، واگذاری مال یا امتیاز گردیده، خود او بزه دیده مستقیم و مفرد ارتشاء محسوب می شود (سلیمی، 1387، ص 248).

همانطور که ملاحظه می‌گردد، به لحاظ پیچیدگی و شرایط حاکم بر ارتکاب این جرائم، بزه دیدگان شرکتهای، به سهولت جرائم خشونت بار و خیابانی، قابل تشخیص نیستند. اما تمامی حالات و اشکال آن، از مواردی که به ظاهر بزه دیده ای وجود ندارد تا بزه دیدگی های بسیار جزیی و نامحسوس و موارد گسترده و قابل تعقیب، همگی مؤید وجود طیف وسیعی از آثار و صدمات زیانبار و پدیده بزه دیدگی ناشی از این جرائم می باشند. در یک تقسیم بندی به عمل آمده توسط پلیس امریکا FBI، قربانیان جرائم شرکتهای به دو گروه «بزه دیدگان انسانی» (Individual Victims) و «بزه دیدگان غیر انسانی» (Non-Person Victims) تفکیک شده اند. آمارها و تحقیقات به عمل آمده نشان می دهند در میان قربانیان این گروه از جرائم، بزه دیدگان غیر انسانی نه تنها کمتر بلکه در سطح بزه دیدگان انسانی هستند. از جمله آن ها می توان به انواع کسب و کار، موسسات مالی، موسسات دولتی، سازمان های مذهبی و موسسات اجتماعی اشاره نمود که در میان آن ها به ترتیب، انواع کسب و کار و تجارت، موسسات مالی و سازمان های دولتی عمده ترین قربانیان جرائمی مانند کلاهبرداری، جعل و اختلاس هستند (Braithwaite, John, 1985, p. 25). بنابراین، به دلیل تفاوت های موجود میان جرائم خیابانی و شرکتهای که بارها به آن اشاره شد، تشخیص بزه دیدگی در این حوزه با دشواری های خاص خود همراه است. به عنوان مثال، کلاهبرداری به لحاظ پیچیدگی و تنوع شیوه های ارتکاب، «حمله و ضرب و شتم با سلاح مالی» (Assault with a Fiscal Weapon) لقب گرفته است. زیرا پیامد آن برای قربانیان، معضلاتی مانند از دست دادن خانه، پس انداز و سرمایه های شخصی، و حتی مشکلات خانوادگی و جدایی است. البته در مورد کلاهبرداری و دیگر جرائمی مانند جرائم رایانه ای، اخاذی و چک بلامحل که در مقایسه با سایر مصادیق جرائم شرکتهای دارای بزه دیده مشخص می باشند، در قوانین کشورهای مختلف، سازو کارهایی برای جبران خسارت قربانیان و استرداد اموال در نظر گرفته شده است (Free Encyclopedia of American Law and Legal Information, 2009).

برخی از انواع دیگر جرائم شرکتی که به دلایل مختلف تشخیص بزه دیدگی در آن ها با دشواری هایی همراه است، در اینجا مورد بررسی قرار می گیرند.

در برخی گونه های این جرائم، در نگاه اول، بزه دیدگی بسیار ناچیز و کم اهمیت به نظر می آید اما در واقع چنین نیست. به عنوان مثال اگر کسی کالای یارانه ای بصورت عمده و در سطح کلان تحصیل نموده و با یک افزایش قیمت جزئی به فروش برساند، بزه دیدگی و ضرر هریک از قربانیان به تنهایی بسیار جزئی و کم اهمیت است. اما با توجه به سطح وسیع عمل ارتكابی، حجم بزه دیدگی ناشی از این جرم، در مجموع بسیار گسترده و برای نظام و سیاست اقتصادی کشور نیز مضر است (Ibid).

جرائم گمرکی، یکی دیگر از انواع جرائم شرکتی و یقه سفید است که ادعا می شود فاقد بزه دیده مشخص می باشد. قوانین، محدودیت ها و ضوابط گمرکی در راستای حمایت از اقتصاد و تولید داخلی وضع می گردند. مسلماً ورود و خروج غیرقانونی کالاها از مرزهای کشور با نقض مقررات و محدودیت ها و بدون پرداخت عوارض گمرکی، دارای تبعاتی منفی مانند صدمه به تولید کننده و مصرف کننده داخلی، بر هم زدن تعادل در بازار، و ورود ضرر و زیان به تجار سالم و پایبند به قانون می باشد. زیرا در نتیجه اینگونه اقدامات، گروه کثیری از عوامل اقتصادی جامعه مانند تولید کنندگان داخلی و رقبای تجاری سالم و مطیع مقررات و ضوابط مربوطه را با معضلات گوناگون از جمله ضرر و زیان و ورشکستگی روبرو می سازند (Ibid).

در برخی از انواع اینگونه جرائم، روند بزه دیدگی حتی از این هم نامحسوس تر و پیچیده تر است. یکی از مصادیق بارز جرائم شرکتی، جرائم زیست محیطی اعم از آلوده نمودن هوا، رودخانه ها و دریاها به طرق مختلف مانند دفع مواد سمی و ضایعات صنعتی، قاچاق گونه های جانوری کمیاب و گران قیمت، تخریب و آتش زدن جنگل ها، قطع غیرقانونی درختان، قاچاق چوب و... می باشد. اعمال مذکور به مرور و در دراز مدت، حتی در طول چندین دهه، منجر به از بین رفتن منابع طبیعی و حیات وحش، فرسایش

تدریجی جنگل‌ها و محیط زیست می‌شوند. طبیعتاً در اینگونه موارد، بزه دیده مستقیم، مشخص و مفرد وجود ندارد. اما این به معنای بدون قربانی بودن اعمال مذکور نبوده بلکه با توجه به تبعات منفی آن، در طول زمان، نسل فعلی یا آتی یک منطقه خاص و یا حتی کل جهانیان، بزه دیده غیرمستقیم این جرائم محسوب می‌گردند (Ibid).

بنابراین، مسائل و ویژگی‌های بزه دیدگی در حوزه جرائم شرکتی، با توجه به روش‌ها، اهداف و ابعاد اعمال ارتكابی، می‌تواند یک فرد معین، گروهی از افراد و طبقات، نظام اقتصادی و اجتماعی کل جامعه و نظام‌های بین‌المللی را درگیر سازد. به عبارت دیگر، پدیده بزه دیدگی در جرائم شرکتی، در بردارنده گستره‌ای وسیع از اقشار بسیار ثروتمند تا بسیار فقیر جامعه می‌باشد. نکته بسیار مهم در این زمینه، که منجر به اختلاف نظر اندیشمندان و دیگر پیچیدگی‌های این حوزه گشته، عدم تطابق کامل بزه دیدگی در این حوزه با معیارهای این پدیده در جرائم سنتی است. مهم‌ترین دلیل آن، تأثیر مستقیم اغلب این گروه از جرائم بر جوامع، تشکل‌ها و شرکت‌هاست تا یک فرد معین. به عنوان مثال، اگر چه کلاهبرداری‌های وسیع و بزرگ علیه بانک‌ها و دیگر انواع فساد مالی، آثار سوء فراوانی متوجه کارمندان و شهروندان می‌نمایند، ولی عملاً یک یا چند شهروند یا کارمند خاص، هدف اعمال مذکور نبوده بلکه هدف اصلی جرائم ارتكابی، دولت، بانک یا یک سازمان می‌باشد (Newburn, Tim, op. cit, p. 390). بنابراین، در وضعیت عدم وجود بزه دیده مستقیم و مفرد، و وقوع پدیده بزه دیدگی به شیوه‌ای نامحسوس، پیچیده، غیرمستقیم و با تأخیر، اعمال قواعد کلاسیک جرم‌شناسی و به تبع آن بزه دیده‌شناسی، با دشواری‌های بسیاری مواجه می‌گردد.

یکی دیگر از دلایل عدم تطابق بزه دیدگی در حوزه جرائم اقتصادی با معیارهای جرائم سنتی، توسل مجرمین این حوزه به نوعی «شیوه خنثی‌سازی» (Neutralization Technique)، به معنی «انکار ایجاد هر گونه صدمه یا زیان» (Denial of Harm) ناشی از این جرائم است. یکی از بارزترین مصادیق این شیوه، جعل علائم تجاری و مارک‌های

معروف و گران قیمت مانند انواع لوازم ورزشی، پوشاک، لوازم آرایشی و... و تکثیر و فروش غیرمجاز انواع آثار صوتی و تصویری می باشد. مرتکبین این اعمال، غالباً کار خود را، صرف عرضه کالا با قیمت مناسب، به افرادی توجیه می نمایند که در غیراینصورت، هرگز توان خرید چنین اقلامی را نداشتند. آن ها، هدف قراردادن شرکت ها یا علائم تجاری معتبر، قصد ورود ضرر و زیان مالی، لطمه به شهرت و محبوبیت آن ها و نقض قوانین این حوزه را انکار می نمایند (Ibid).

ز- رویکردهای جرم‌شناسانه در جرائم شرکتی:

همانطور که اشاره گردید در تقسیم بندی جرائم از نگاه جرم‌شناسی، جرم شرکتی زیر مجموعه جرائم یقه سفیدی قرار می گیرد. جرم‌شناسان برای توضیح فرآیند ارتکاب این جرائم و راه‌های پیشگیری و مبارزه با آن، طیف وسیعی از تفاسیر و نظریات را در این زمینه ارائه نموده اند که هر کدام به مکاتب مختلفی اعم از زیست‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و... تعلق داشته و از یک مفهوم اصلی به عنوان هسته مرکزی برخوردارند. لذا برای جستجوی نظریه مناسب با جرائم شرکتی در بین نظریات مورد بحث در این حوزه به جستجو پرداخت. از آنجاییکه مطالعه جرائم شرکتی و یقه سفیدی با دشواری‌ها و پیچیدگی‌های خاص خود همراه است، برای فائق آمدن به دشواری‌های این مسیر و یافتن علل و انگیزه‌های اصلی این جرائم تمامی تئوری‌های مطرح شده، به لحاظ عملی توسط جرم‌شناسان نسبت به ابعاد مختلف جرائم شرکتی و مجرمین این عرصه اعمال شده اما هیچکدام از آن‌ها کاملاً منطبق بر تمامی جهات و تبعات جرائم مذکور نبوده اند (O'Connor, T., 2011). در اینجا مهم‌ترین نظریات مطرح شده در این زمینه به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرد:

1- نظریه انتخاب منطقی (Rational Choice Theory): از معروف‌ترین

نظریات ابراز شده در این زمینه که انواع تفاسیر آن بر مبنای نظریه جرم‌شناسانه کلاسیک «فرصت» (Opportunity) قرار دارد که بر اساس آن، مجرمین با انگیزه، در فرصت مناسب

با یک انتخاب منطقی آنچه را که می‌خواهند به دست می‌آورند. مهم‌ترین و معروف‌ترین زیرمجموعه این دیدگاه، «تئوری فعالیت‌های روزمره» (Routine Activities Theory) است که در سال 2002 توسط فِلسون (Felson) مطرح شد و تأکید آن بر فقدان نگهداران کارآمد و کثرت قربانیان مناسب، به عنوان محرک مجرمین برای ارتکاب جرم می‌باشد.

2- نظریه کنترل اجتماعی (Social Control Theory): این تئوری که در سال 1969 توسط هیرشی (Hirschi) مطرح شد، مدت‌ها یکی از محبوب‌ترین رویکردهای جرم‌شناسانه در این زمینه محسوب می‌شد. در این تئوری نیز مرتکبین دارای انگیزه فرض می‌شوند. اما وجود ضعف در قیود و روابط اجتماعی مانند تعهد، وفاداری، همبستگی، اعتقادات و...، به عنوان مهم‌ترین عامل، باعث اقدام به ارتکاب جرم می‌گردد.

3- نظریه یادگیری (Learning Theory): توسط ساترلند در سال 1940 مطرح شد. بر مبنای این تئوری، افراد، به تدریج و در طول زمان، خود را با دیگران هماهنگ ساخته و به کسب آمادگی برای زمانی می‌پردازند که می‌خواهند مرتکب عمل مجرمانه شوند. بیشترین تفاسیر به عمل آمده از این نظریه بر پایه تغییر نظام باورها و عقاید مجرمین به همراه رویکردی به نام «خنثی‌سازی» (Neutralization) صورت گرفته است که بر اثر آن مجرمین، با هدف توجیه و بی‌ضرر نشان دادن اعمال ارتكابی‌شان، توجیحات و معاذیر مرتبط با موضوع را فرا می‌گیرند.

4- نظریه فشار (Strain Theory): این تئوری که در سال 1983 توسط وُگن (Vouhgn) و در سال 2004 بوسیله پاساس و گودوین (Passas & Goodwin) مطرح شد، بر این عقیده استوار است که همه انسان‌ها حتی افراد خوب نیز ممکن است در صورت تحت فشار قرار گرفتن و سردرگمی در مورد اهداف، وسائل و راه‌های موفقیت‌های مادی و اقتصادی خود، مرتکب جرم شوند. این حالت سردرگمی «بی‌هنجاری» نامیده می‌شود و به ایجاد احساس محرومیت در جامعه (به‌طور کلی و یا موردی) منجر می‌شود.

5- نظریه تعارض (Conflict Theory): این تئوری که در میان گروه های مختلف

دارای طرفدارانی می باشد در سال 2007 بوسیله فردریش (Fredrich) ارائه شد. این رویکرد، مانند تئوری فشار، بر شرایط مادی یا اقتصادی متمرکز است و اساساً بر این محور قرار دارد که وجود «تعارض» در هر جایی که گروه قدرتمند قادرند برای هر موضوع، گروه دیگر را مقصر قلمداد نمایند، منجر به ارتکاب جرم می شود.

ح - تقسیم بندی جرائم شرکتی:

گسترده‌گی ابعاد، مفهوم و مصادیق جرائم شرکتی در سطوح مختلف، به حدی است که از جرائم ارتكابی در بنگاه ها و واحدهای کوچک کسب و کار تا بانک ها، کارخانه ها، شرکت های بزرگ و چند ملیتی و نیز جرائم سازمان یافته فراملی (Organized Transnational Crimes) ارتكاب یافته در ماوراء صلاحیت های ملی را در برمی گیرند. این گروه از جرائم، در پناه پیشرفت های حاصله در صنعت حمل و نقل و فناوری اطلاعات و ارتباطات، سطوح مختلف مقامات و مراجع مرتبط با قانون گذاری، سیاستگذاری و اجرای قانون را با چالش ها و پیچیدگی های خاص این حوزه روبرو می سازند. حاصل این سلسله جرائم پیچیده و پیشرفته در قالب قاچاق انسان، قاچاق مواد مخدر، معاملات غیرقانونی اسلحه، پول شویی، جرائم سایبری، تروریسم و... جهان را با فجایع بسیار روبرو ساخته و منجر به نقض لایه های گوناگون حقوق و قوانین ومقررات داخلی، بین المللی و حقوق بشر گشته است. بنابراین، می توان جرائم شرکتی را به اعتبار ابعاد آن، به دو گروه خرد و کلان تقسیم نمود.

جرایم شرکتی خرد، دربردارنده جرائم ارتكاب یافته در سطوح داخلی و محدوده شرکت ها، بانک ها و سایر واحدهای اقتصادی و کسب و کار هستند. جرائم شرکتی کلان نیز عبارتند از جرائم ارتكابی در سطح شرکت های چند ملیتی، جرائم سازمان یافته در قالب انواع قاچاق انسان، اعضاء بدن، مواد مخدر، تجارت جنسی، پول شویی و... که ابعاد و پیامدهای آن، فراتر از صلاحیت و قوانین یک نظام عدالت کیفری خاص می باشد.

ط - مصادیق جرائم شرکتی در قوانین ایران:

گروهی از مصادیق جرائم شرکتی، در قوانین ایران مورد جرم انگاری قرار گرفته اند که در یک تقسیم بندی کلی می توان آن ها را در سه گروه جرائم مربوط به شرکت های تجاری، جرائم بورس و اوراق بهادار و سایر جرائم، طبقه بندی نمود. جرائم مذکور، در این قسمت، به اختصار مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

1- جرائم مربوط به شرکت های تجاری:

شرکت های تجاری، در سراسر دنیا، یکی از مناسب ترین بسترهای ارتکاب جرائم شرکتی محسوب می گردند. علت این امر در ماهیت و خصوصیات واحدهای مذکور، دامنه فعالیت ها، عملکرد و تأثیرگذاری انکارناپذیرشان بر سطوح مختلف داخلی و بین المللی اقتصاد جوامع، ویژگی های خاص شخصیت حقوقی، قابلیت های شرکتی و کاستی های قانونی و صلاحیتی برای رسیدگی به جرائم ارتکاب یافته در این حوزه، نهفته است. طبیعی است که گستره صدمات ناشی از چنین فعالیت هایی، از آنچنان وسعتی برخوردار می باشد که قانونگذاران را ناگزیر از جرم انگاری انواع تخلفات این حوزه نموده است. این جرائم، در یک تقسیم بندی کلی پنجگانه قرار می گیرند که عبارتند از: الف - جرائم مربوط به تشکیل شرکت های تجاری (ماده 243 «لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت»¹ مصوب 47/12/24).

1- به موجب این ماده:

«شخص زیر به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال یا به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هردو مجازات محکوم خواهند شد:

- هر کس که عالمأ و بر خلاف واقع پذیره نویسی سهام را تصدیق کند و یا بر خلاف مقررات این قانون اعلامیه پذیره نویسی منتشر نماید و یا مدارک خلاف واقع حاکی از تشکیل شرکت به مرجع ثبت شرکت ها تسلیم کند یا در تعیین ارزش آورده غیر نقد تقلب اعمال کند.

- هر کس از اعلام مطالبی که طبق مقررات این قانون باید به مرجع ثبت شرکت ها اعلام کند بعضاً یا کلاً خودداری نماید و یا مطالب خلاف واقع به مرجع مزبور اعلام نماید...».

ب- جرائم مربوط به اداره و بازرسی شرکت های تجاری (مواد 246، 250 تا 269 «لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت» مصوب 47/12/24).

ج- جرائم مربوط به اوراق بهادار شرکت (مواد 243، 244 و 245 «لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت» مصوب 47/12/24).

د- جرائم مربوط به انحلال و تصفیه شرکت های تجاری (مواد 268 و 269 «لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت» مصوب 47/12/24).

5- جرائم مربوط به شرکت های تعاونی (ماده 17 قانون اصلاح قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب 1377).

لازم به ذکر است که در مورد جرائم ارتكابی شرکت های تعاونی، عنوان مشخص و خاصی مورد جرم انگاری قرار نگرفته بلکه بر اساس ماده 17 قانون اصلاح قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب 1377، در صورت وقوع جرم یا احراز تخلف در اداره امور شرکت ها یا اتحادیه های تعاونی، وزارت تعاون مراتب را به دادگاه صالح اعلام می نماید. چنین پرونده ای خارج از نوبت مورد رسیدگی قرار گرفته و در صورت تعلیق مدیران و اتحادیه های تعاونی به علت احراز تخلف، انتصاب افراد جدید با هدف تشکیل مجمع عمومی و انتخاب هیأت مدیره جدید بر عهده وزارت تعاون است.

2- جرائم مربوط به بورس و اوراق بهادار:

اهمیت روزافزون بازار بورس و اوراق بهادار، در ساختار اقتصادی کشورهای مختلف و جامعه جهانی، پیچیدگی ها و قابلیت های اقتصادی آن، نهاد مذکور را به یکی از مهم ترین بسترهای ارتكاب انواع جرائم شرکتی در سطوح مختلف از جرائم خرد و داخلی تا انواع سازمان یافته و فراسرزمینی آن تبدیل نموده است. همین ویژگی ها، مبارزه کیفی با جرائم ارتكابی در بازار بورس و اوراق بهادار را نیز دشوار می سازد. به همین دلیل، مبارزه با جرائم شرکتی این حوزه، از اهمیت و فوریت بسیار برخوردار می باشد. جرائمی که به

موجب قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، مصوب آذر ماه 1384 مورد جرم انگاری قرار گرفته اند عبارتند از:

- 2-1- سوء استفاده از اطلاعات نهانی (بند 1 ماده 46 قانون بازار اوراق بهادار).
- 2-2- معامله متکی بر اطلاعات نهانی (بند 2 ماده 46 قانون بازار اوراق بهادار).
- 2-3- جرم دستکاری بازار (بند 3 ماده 46 قانون بازار اوراق بهادار).
- 2-4- انتشار آگهی یا اعلامیه پذیره نویسی اوراق بهادار به منظور عرضه عمومی بدون رعایت مقررات (بند 4 ماده 46 قانون بازار اوراق بهادار).
- 2-5- مبادرت به فعالیت های مستلزم اخذ مجوز یا معرفی خود تحت عناوین مزبور (بند 1 ماده 49 قانون بازار اوراق بهادار).
- 2-6- خودداری از انجام تکلیف قانونی ارائه اطلاعات و اسناد مهم به سازمان (بند 2 ماده 49 قانون بازار اوراق بهادار).
- 2-7- تخلف شخص مسئول از اظهار نظر و تصدیق و ارائه اسناد و اطلاعات به سازمان (بند 3 ماده 49 قانون بازار اوراق بهادار).
- 2-8- سوء استفاده از اطلاعات و اسناد یا گزارش های خلاف واقع مربوط به اوراق بهادار (بند 4 ماده 49 قانون بازار اوراق بهادار).
- 2-9- استفاده از اوراق بهادار و وجوه امانی به نفع خود یا دیگران برخلاف قانون (ماده 50 قانون بازار اوراق بهادار).
- 2-10- ارائه یا استفاده از سند مجعول، در تهیه گزارش های موضوع قانون بازار اوراق بهادار (ماده 535 قانون مجازات اسلامی)
- 2-11- افشای اسرار اشخاص توسط کارگزار، کارگزار/معامله گر، بازارگردان و مشاور سرمایه گذاری (ماده 548 قانون مجازات اسلامی).

3- سایر جرائم:

مصادیق دیگر جرائم شرکتی، گذشته از آنچه که در حوزه شرکت های تجاری و بازار بورس و اوراق بهادار گفته شد، دربردارنده گستره وسیعی از جرائم گوناگون است که از جمله آن ها می توان به کلاهبرداری، ارتشاء، طراحی شرکت های هرمی (هرم های دسیسه)، جرائم کارمندان داخلی و مورد اعتماد شرکت، اختلاس، انواع جرائم رایانه ای، سرقت شناسه، نقض کپی رایت، پول شویی، فرار از مالیات، تخلفات ضد تراست و جعل اشاره نمود که به انحاء مختلف در واحدهای و سطوح گوناگون فعالیت های شرکتی، کسب و کار و سرمایه گذاری ارتکاب می یابند و در نظام های عدالت کیفری کشورهای جهان، به شیوه های متفاوت مورد جرم انگاری قرار گرفته اند. در این قسمت، به آن دسته از قوانین ایران که به جرم انگاری پاره ای از اعمال مذکور پرداخته اند، اشاره می گردد:

1- قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، مصوب 1367/9/15 مجمع تشخیص مصلحت نظام.

2- قانون جرائم رایانه ای مصوب 1388/3/20 مجلس شورای اسلامی. 3- ماده 523 قانون مجازات اسلامی ناظر بر جعل و مصادیق آن و مبحث یکم از فصل دوم قانون جرائم رایانه ای، مواد 6 تا 10، ناظر بر جعل رایانه ای.

4- ماده واحده قانون ممنوعیت فعالیت شرکت های هرمی - با الحاق یک بند و یک تبصره در تاریخ 1384/10/14 - به ماده 1 قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور مصوب 1369/9/28 مجلس شورای اسلامی.

5- قانون مبارزه با پولشویی مصوب 86/11/17 مصوب مجلس شورای اسلامی.

نتیجه گیری:

علیرغم وجود تمامی اختلافات و مشکلات تعریفی، مفهومی، روش شناسانه و نظری، جرم شرکتی، به عنوان یکی از زیرمجموعه های جرائم یقه سفیدی، پدیده ای است که سنجش آن با هر میزان و معیاری به این نتیجه می انجامد که ماهیت و ابعاد صدمات آن،

بسیار جدی بوده و هزینه‌های اقتصادی، فیزیکی و اجتماعی هنگفتی را به جامعه تحمیل می‌نماید. توجه به این آثار، سؤال بسیار مهمی را به ذهن متبادر می‌سازد که چرا جای جرم شرکتی در ادبیات جرم‌شناسانه و برنامه‌های مرتبط با جرم، قانون و نظم خالی است؟ برای پاسخ به این سؤال باید به این نکته توجه شود که مجموعه‌ای از فرآیندهای پیچیده اجتماعی، منجر به حذف چنین جرائمی از تعاریف و مفاهیم مرتبط با جرم، قانون و نظم می‌گردد که از جمله آن‌ها می‌توان موارد ذیل اشاره نمود:

1- عدم آشنائی عموم باینگونه جرائم بدلائل گوناگون، از جمله غیر ملموس بودن آن‌ها، مهارت مرتکبان و پیچیده و تخصصی بودن آن‌ها.

2- اختصاص قوانین و مقررات حقوقی و کیفری به جرائم خیابانی بویژه به لحاظ مشهود و عینی بودن آن‌ها.

3- فقدان آمار و اطلاعات دقیق در مورد جرائم شرکتی و قرار گرفتن آن‌ها در رقم سیاه جرائم.

4- نگاه غیر منفی اجتماع نسبت به ظواهر اینگونه جرائم.

5- عدم اطلاع رسانی کافی در سطح جامعه توسط نهادهای ذیربط، که عملاً موجب نامرئی ماندن اینگونه جرائم از منظر عموم می‌گردد.

6- پیچیدگی‌های موجود در جرائم ارتكابی در چارچوب شرکتی که در سایه خلأها و کاستی‌های تقنینی و صلاحیتی، رسیدگی به این جرائم و مجازات مجرمین را دشوارتر می‌سازند.

در یک جمع بندی کلی، جرم‌شناسی، برای آشکار ساختن ماهیت جرائم شرکتی تلاش زیادی به عمل نیاورده و به لحاظ تاریخی، همواره تأکید اصلی بر جرائم ارتكابی توسط افراد و به عبارتی جرائم خشونت بار و خیابانی بوده است. نیاز جوامع امروز، برای برخورد با مبارزه با جرائم شرکتی، نشان دهنده لزوم پیوند مفاهیم مهم و کلیدی جرم‌شناسی با موضوعات و اصول مهم حقوق کیفری برای کمک به شناخت عمیق از ماهیت و

چیستی اینگونه از مجرمیت می باشد. چراکه درک چگونگی و علل جرایم شرکتی بدون شک بر درک و چگونگی کنترل آن، تأثیر خواهد داشت. براین اساس ایجاد چارچوب تشریحی متمرکز و گسترده بر پایه اصول اساسی جرم‌شناسی و حقوق کیفری امری ضروری است که هدف اصلی از آن، تعریف جرم شرکتی به عنوان یک جرم واقعی با ساختار خاص و متفاوت با جرائم کلاسیک می باشد که با توجه به تبعات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن، پیش‌بینی مجازات‌های متناسب و قابل اعمال را ایجاب می نماید.

نکته مهم در مورد جرائم شرکتی، نقش بسیار محدود نظام عدالت کیفری رسمی در ارتباط با تخلفات این حوزه می باشد. اگر چه بسیاری از فعالیت‌های شرکت‌ها صحیحاً جرم‌انگاری شده، بسیاری اعمال دیگر وجود دارند که مضر و آسیب‌رساننده هستند اما جرم تلقی نمی‌شوند. به عنوان مثال، در قوانین ایران، عمده‌ترین مصادیق جرائم شرکتی، در حوزه شرکت‌های تجاری و بازار بورس مورد جرم‌انگاری قرار گرفته‌اند اما تعدادی از تخلفات شرکتی وجود دارند که به دلیل فقد عنوان خاص، به ناچار با استناد به قوانین پراکنده دیگر قابل رسیدگی بوده و یا اصلاً مورد جرم‌انگاری قرار نگرفته‌اند. طبیعتاً در اینگونه موارد تطبیق موضوع تخلف با عنوان مجرمانه با مشکلات خاص خود مواجه می‌گردد. علاوه بر این حتی در مواردی که شرکت‌ها تحت تعقیب قرار می‌گیرند، مجازات‌های مقرر، اغلب تناسب چندانی با میزان صدمه ایجاد شده نداشته و شرکت‌ها معمولاً به خوبی قادر به دفاع از خود در برابر اتهامات وارده می‌باشند (Newburn, Tim, op. cit.).

منابع و مآخذ

الف - فهرست منابع فارسی:

- سلیمی، صادق، مجرمین یقه سفید و سیاست کیفری ایران، فصلنامه حقوق، پایگاه نشریات الکترونیکی دانشگاه تهران، دوره 4، 1387/12/27، در:

<http://journals.ut.ac.ir/>

ب - فهرست منابع انگلیسی:

- 1- Braithwaith, John, (1985), **White Collar Crime**, Annual Review Social, Vol. 11, No. 1, Retrieved in:28/4/2012, in: <http://cooley.librats.wsu.edu/>
- 2- Federal Bureau of Investigation (FBI), (1989), **White-Collar Crime: A Report to the Public**, Washington DC, US Department of Justice, p. 3, retrieved in: 11/2/2012, in: <http://www.fbi.gov/>
- 3- Freiberg, Arie, (2000), **Sentencing White Collar Crime**, retrieved in: 2/4/2012, in: <http://www.aic.gov.an/>
- 4- Hale et al., Criminology, (2009), **Oxford University Press**, Online Resource Center, Retrieved in: 10/2-2012, in: <http://www.oup.com/uk/>
- 5- Newburn, Tim, (2007), **Criminology**, 1st ed. USA, Willan Publishing
- 6- O'Connor, T., (2010), **White-Collar Crime Criminology**, retrieved in: 2/4/2012, in: <http://www.Drtomoconnor.Com/>
- 7- Price, Merlyn, Norris, Donna M., (2009), **White Collar Crime: Corporate and Securities and commodity fraud**, **Journal of the American Academy of Psychiatry and the Law Online**, vol. 37, No. 4, Retrieved in: 22/3/2012, in: <http://www.jaap.org/>
- 8- Victims-White-Collar Crime Victimization, (2009), **free encyclopedia of American Law and Legal Information**, Retrieved in: 15/3/2012, in: <http://law.jrank.org/>